

پنجشنبه ۱۷ جدی ۱۳۶۶
Jan. 7, 1988.
سال هشتم شماره ۱۰۶
شماره مسلسل ۱۹۶۰
سال تا سیس ۱۳۵۹

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

عزیمت رفیق شیوارد نادزی از کابل

دیروز رفیق ادوارد امبروسیویچ شیوارد نادزی عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست وو زیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بعد از ختم بازدید کاری شان از جمهوری افغانستان به وطن عزیمت نمودند .

در میدان هوایی بین المللی کابل رفیق سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و صدراعظم جمهوری افغانستان و سایر شخصیت های رسمی باوی وداع نمودند .

رفیق پاول پتروویچ موژایف سفیر و نماینده فوق العاده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جمهوری افغانستان هنگام وداع حاضر بود .

رفیق شیوارد نادزی عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ووزیر امور خارجه اتحاد شوروی جهت بازدید کاری در جمهوری افغانستان از تاریخ ٤ الی ٦ جنوری سال جاری اقامت داشتند .

رفیق شیوارد نادزی دوبار با رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و رئیس جمهور افغانستان ملاقات نموده و تبریکات گرم و بهترین آرزو ها از جانب رفیق م.س. گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را به وی رسانده اند .

مذاکرات با هیات رهبری افغانستان پیرامون یک دور وسیع مسایل صورت گرفت که در آن رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ورئیس جمهور افغانستان در راس طرف افغانی بودند .

دراین مذاکرات رفیق سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و صدراعظم جمهوری افغانستان ، رفیق عبدالوکیل عضو بیروی سیاسی وو زیر امور خارجه ، اعضای بیروی سیاسی واعضای علی البدل بیروی سیاسی و منشیان کمیته مرکزی ح.د.خ.ا شرکت کردند. ازجانب شوروی و.م . کامینتسوف معاون رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی پ.پ موژایف سفیر اتحاد شوروی مقیم جمهوری افغانستان ، یو.ک. الیکسییف مسوول شعبه امور کشور های خاور میانه وزارت امور خارجه اتحاد شوروی و.ن.ای کوزیرف سفیر سیار در مذاکرات مذکور اشتراک ورزیدند .

رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ورئیس جمهور افغانستان از اوضاع داخل کشور در چوکات تحقق سیاست مصالحه ملی، ایشان را مطلع ساخته وبه پیشرفت روند دیالوگ سرا سری افغانی که در جریان آن امکان دستیابی به مصالحه ملی و قطع خونریزی هر چه بیشتر نمایان داده میشود ، اشاره نمودند .

بعضی ایده های جدید راجع به آنکه چطور میتوان یک تحرک نوین را به امر اجرای سیاست مصالحه ملی و حل و فصل مساله افغانستان داد از طرف افغانی در زمینه ارائه گردید . ایده های مزبور دارای خصلت مشخص و پایه تجزیه وا قعبینانه اوضاع موجوددر کشورو اطراف آن بود.

دراین رابطه توجه زیاد به مسالهٔ ارتقای نقش ارگان های دولتی در سطح ملی و ولایاتی با در نظر داشت اینکه بنابر تصامیم لویه جرگه اخیر، افغانستان به یک کشور دارای ریاست جمهوری به شکل حکوماتی مبدل گردیده،مبذول شد .

اوضاع در مذاکرات که بین افغانستان و پاکستان ازطریق نماینده شخصی سر منشی ساز مان ملل متحد در ژنیو جریان دارد ، به صورت عموم مساعد به نظر میرسد که ضامن امید به اتمام هر چه زود تر پروسهٔ حل و فصل سیاسی جوانب خارجی مسالهٔ افغانستان میباشد . طرف افغانی به طور سازنده برای دورآیندهٔ این مذاکرات خود را آماده میکند ودر نظر دارد که طی آن موافقتنامه های مربوطه عقد خواهند گردید .

رفیق شیوارد نادزی حمایت و پشتیبانی کامل از مشی رهبری افغانستان به سوی مصالحه ملی واز اقدامات عملی آن به منظور تحقق مشی مذکور ابراز داشتند . تماس های اخیر جانب شوروی با نماینده گان سایر کشور ها موجودیت موجبات شایان بین المللی برای حل وفصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان و قطع مداخله خارجی در امور داخلی آنرا تاکید میکند . این امر به نوبهٔ خود فرصت را فراهم خواهد ساخت تا طی ۱۲ ماه قطعات محدود نظامی شوروی ازافغانستان خارج شود . حسن تفاهم و موافقت کامل بین دو طرف اتحاد شوروی و جمهوری افغانستان در این زمینه وجود دارد .

رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ورئیس جمهور افغانستان خاطرات خود را در رابطه با سفر های اخیر شان به هند ، و یتنام، وکمپوچیا در میان گذاشتند.

وضعیت روابط دو جانبه شوروی ـ افغان در عرصه‌های گونا گون همه جانبه‌و مفصل دراین مذاکرات مورد بحث و بر رسی قرار گرفت . در این رابطه ضرورت پیدایش هر چه زود تر اشکال و شیوه های جدید وثمربخش همکاری های بین دو کشور خاطر نشان گردید .

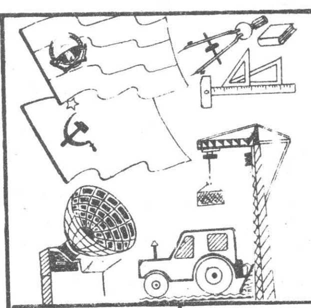
خاطر نشان شد که‌در وقت اخیر احجام همکاری شوروی‌و افغان تا حدود زیاد افزایش یافته است و یک سلسله تاسیسات صنعتی مهم‌درمرحلهٔ به کار اندا ختن میباشد . همکاری تجارتی واقتصادی‌با متشبثین خصوصی افغانی رو به راه میشوند . توافق در مورد فعال ساختن‌همکاری بین موسسات علمی،سازمان های اجتماعی و فرهنگی حاصل شده است .

روابط مستقیم جمهوریت‌ها ایالات و شهر های اتحاد شوروی با ولایات و شهرهای افغانستان در پراکتیک همکاری بر قرار میشوند .

تدابیر معطوف به فعال ساختن این پروسه ها بحث شده و پروگرام مشخص اقدامات در نظر گرفته شده است .

رفیق شیوارد نادزی با رفیق عبدالوکیل عضوبیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ووزیر امور خارجه جمهوری افغانستان . و رفقا محمد رفیع ، سیدمحمد گلاب زوی ، غلام فاروق یعقوبی اعضای بیروی سیاسی کمیته

(ص۲)



دوستی افغان‌ـشوروی خلل ناپذیر است

راه بسوی مصالحه ملی در افغانستان باز است

مصاحبهٔ رفیق شیوارد نادزی‌عضو بیروی سیاسی کمیته‌مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و وزیر امور خارجه آنکشور با آژانس‌اطلاعاتی باختر :

سوال :

شما دومین سال را با انجام بازدید از افغانستان آغاز میکنید. این بازدید کار به‌چه چیز هایی ارتباط دارد ؟

پاسخ :

به مرحله نوین درمناسبات شوروی و افغان که باملاقات رهبران دو کشور مان یعنی رفیق م.س. گرباچف و رفیق نجیب الله در خزان سال ۱۹۸٦ شروع شده است ارتباط دارد .

به تحقق سیاست مصالحه ملی در افغانستان که ما از آن سیاست پشتیبانی عام وتام مینماییم و به موفقیت کامل آن آرزو مندیم ارتباط دارد. به واردشدن مذاکرات ژنیو پیرامون حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف‌افغانستان به مرحله تعیین‌کننده ارتباط دارد .

رهبری شوروی به تماسها بارفیق نجیب‌الله منشی‌عمومی کمیته مرکزی‌ح.د.خ.ا ورئیس جمهور افغانستان و سایر رهبران افغانی اهمیت زیاد قایل است. این تماسها در زمان حال که تحقق مرحله دوم سیاست مصالحه ملی شروع شده و مسئله عودت نیرو های شوروی از افغانستان در اجندای روز قرار دارد خصوصاً ضرور است .

ما میخواهیم که سال ۱۹۸۸ آخرین سال موجودیت قوای شوروی‌درکشور شما شود .

سوال :

آیا برای این امر شرایط وجود دارد ؟

پاسخ :

پس از بررسی این مسئله با رفیق نجیب الله رئیس جمهور،مابه این نتیجه‌رسیدیم که شرایط لازم میتوانـد در

(ص۲)

شهر کهنه کابل سخن میگوید:

◉ از دیروز تا امروز

◉ درددل باشنده‌گان کوچه‌ها وپس کوچه‌ها

مسلماً‌شما نیزدر باره شهر کهنه بسیار شنیده اید . روزگاری اینجا شهرنو کابل بود . عیاران به رسم روزگار دستار بر سر وآئین‌جوانمردی برکف در کوچه ـپس کوچه های این شهر می گشتند وهرکدام از این خانه ها، از این دروازه های چوبی برای خود زیب ونمایی داشتندوحالا نیزهرکدام عطر هزاران خاطره تلخ وشیرین را درخود نهان دارند .چه دیده‌گان مستی که سالها قبل ازین کلکین های چوبی رنگ رو باخته شبانه‌بهم گره نخورده اند ، وچه عشقهای پرشوری که این کوچه های تنگ وجلو خانه های تاریک بیاد ندارند ، روزگاری این محل چشم و چراغ کابل بود وهر کدام ازاین خانه های در هم شکسته زیرپای زمان، نو عروس‌شهر! هنوز صدای گرم عاشقان وعارفان از ورای سالهابگوش میرسد وصدای پیهم چکش آهنگران ترابه سالهای دور میبرد واحساس میکنی که زمان در این کوچه ـپس کوچه ها متوقف شده وهنوز جهان بردار تسمه های چرمی سیاهی که توسط کودکان خرد سال کشید ه میشودوچرخ بزرگ را به حرکت درمی آورد، میگردد . شهر کهنه چهره قدیمی خودرا حفظ کرده اما بسیار فلاکت بار و غمزده .وقتی که بدقت بر سیمای این شهر وافراد آن می نگری احساس میکنی که هاله ای از کهنگی شهر برفراز سر توده مردمی که در این محل زنده‌گی میکنند در پرواز است. طی‌سالها چهره کابل تغییر کرده شهروسعت چندده برابر یافته و شهر کهنه که روزگاری مرکز شهر بود بگوشه رانده شده وخانه های تازه وسرک ها ی قیر ریزی شده، شهر کهنه رادر سایه قرار داده‌اند . طی این سالها ترکیب اجتماعی این‌بخش از شهر نیز تغییر کرده است. آنهایی‌که امکانات بهتری داشتند به بخش تازه شهر نقل مکان کرده انـد. خانه های کهنه شده این بار بجای صاحبان اولیه خود صاحبان جدیدی راکه غریبی‌و ناداری وجه مشترک همه آنهاست در خود جای داده است . بااین تغییرات ، شهر کهنه نیز زنده‌گی غریبانه‌خود را آغاز کرده است واین پارچه خاطرات تلخی از این دوردوم زنده‌گی در مخیله این کوچه‌ها وخانه هانقش بسته است .

چهره های نحیف وزرد شده ازکار طاقت فرسا ، مردانی‌که صبح کله سحر از خانه‌بیرون میروند وشب هنگام خسته از کار باتوته ای نان بخانه باز می‌گردند . اتاقهای سرد و تاریک، وخانه های که زیر



پس کوچه های که پا هاتا بجلک به گل فرو میرود



زباله ها و کثافات نمای طبیعی کوچه ها است

شلاق زمان یکی بعداز دیگری ازپای می افتند وبعداز مدتی به زباله دانی تبدیل میشوند. اکنون شهر کهنه به پیر مریض وازکار افتاده تبدیل شده که هیچکس دست محبتی برآن نمی کشد . محله ها ی باخانه های درحال فروریختن، محله ای خفته درمیان تلی از زباله که عمر برخی از این تل ها بنا بر روایت اهالی عمری تاریخی است . از اسپ خیال که پایین می آیی و قدم در نخستین کوچه می نهی گل ولای سیاه وتعفن تا بالای بجلک‌پایت را در خودمی گیرد وترس از افتادن در میان کدام گودال ترااز‌خیال پردازی دور میسازد حال‌که میخواهیم با قدم های واقعی یکبار دیگر طول عرض این محله را طی کنیم، بگذار که از دروازه لاهوری یا بقول لهوام «رانلاوری» آغاز کنیم . تمام کوچه ازگل سخت‌وچسپناکی که علاقه عجیبی به مردم دارد پوشیده شده است . ارتفاع گل ولای در برخی از نقاط کوچه تابالای بجلک پامیرسد. وزباله ازهمان آغاز راه بعنوان منظره ای آشنا و طبیعی بطور مرتب در شکلهای گونا گون به چشم میخورد ، گاه پرشده تادهانه یک موتر شورلیت غرافسه وگاه جمع‌شده درکنج یک کوچه که ارتفا عش به یک متر نیز میرسد . کثافات بلعرفت ها قدم بقدم به جویهای پر شده کنار کوچه ها سر میکنند و آنگاه دریک شیب کوتاه و بوسط کوچه سرازیر می گردند بالاب بارا ن وباگل‌ولای‌درهم‌می‌آمیزند و تمام محلهرا به‌کثافت

(ص۳)



اکنون شهر کهنه به پیرمریض مبدل گردیده است

عکا سی شیر شاه

هشتمین قطار اکمالاتی وارد خوست شد

هشتمین کاروان شامل دوصدو هشتاد ونه واسطه نقلیه حامل (۲۲۳۷) تن مواد اولیه مورد ضرورت بعد از ظهر دیروز به لوی ولسوالی خوست مواصلت نمود .

ازآغاز باز شدن شاهراه گردیز ـخوست تاکنون ده هزار وهشتصدو چهل ویک‌تن مواد غذایی واستهلاکی به آن ولسوالی انتقال‌داده‌شده است.

بازگشت به وطن

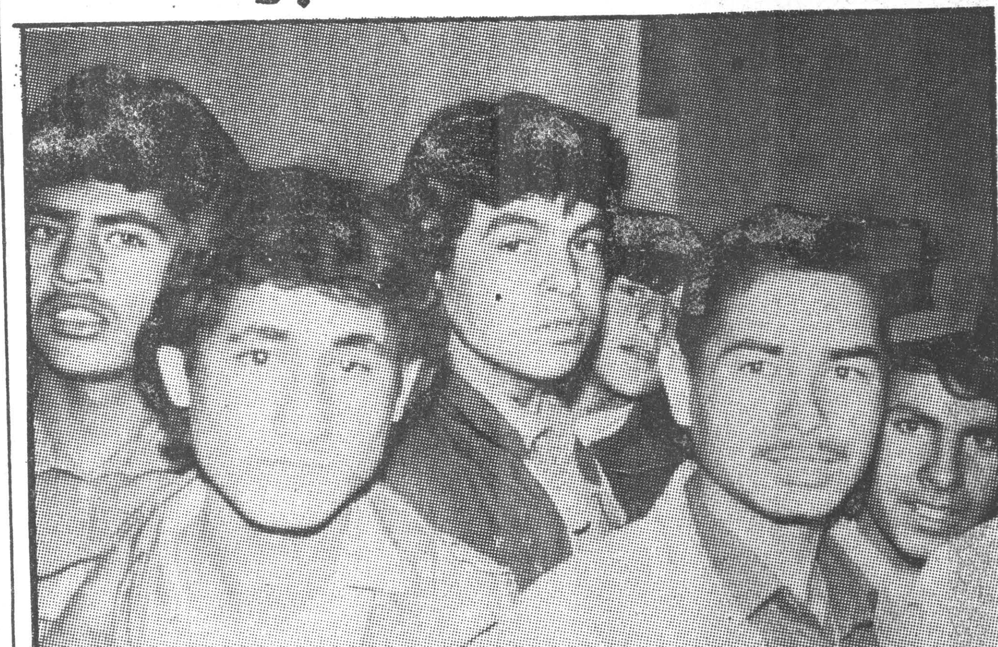
یکصدو چهل و شش‌فامیل شامل نهصد و بیست تن از هموطنان ما که ازمربوطات ولایات هرات ، ننگرهار ، بلخ،زابل و سمنگان به ایران وپاکستان رفته بودند ، دیروز و پریروز به وطن بازگشتند. با این هموطنان مامساعدت های لازم صورت گرفته و متعاقباًبه محلات مسکونی شان در ولایات متذکره انتقال داده شد ند.

اعلام منطقه صلح

به سلسله اهداف مشی مصالحه ملی درمحلات کشور، ولسوالی ده سبز ولایت کابل دیروز با تدویر جرگه صلح آن ولسوالی به‌حیث منطقه صلح اعلام گردید .

باختر

پس‌از اجرای کار های وطنپرستانه



گروپ چهار صد و چهل نفری بریگاد کارو ساختمان ادارات مرکزی وزارتهای تحصیلات عالی و مسلکی و تعلیمات تخنیکی حرفوی که‌به تاریخ ۲۵ عقرب جهت باز سازی و احیای مجدد شهر کندهار ، عازم آن ولایت گردیده بودند ، یک گروپ(۱٦۰) نفری آن‌دیروز پس از انجام کاروطنپرستانه وانقلابی دوباره به کابل‌باز گشت نمودند.

پروین

بیایید همه باهم بخاطر تحقق مشی انسانی مصالحه‌ملی عمل نماییم!

عزیمت رفیق شیواردنادزی از کابل

(بقیه صفحه اول)

مرکزی ح.د.خ.ا، شهنواز تنی عضو علی البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، محبوب الله کوشانی، بشیر بغلانی، اسحاق کاوه اعضای رهبری سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان گفتگو ها داشته است.

برنامه های طویل المدت همکاری تجارتی و اقتصادی در جریان گفتگو های و.م. کامینتسوف با رفیق سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و صدراعظم جمهوری افغانستان رئیس کمیته پلانگذاری جمهوری افغانستان ورهبری وزارت ها و موسسات افغانستان مورد بحث قرار گرفته اند.

ملاقات رفیق شیواردنادزی و کامینتسوف با یک گروه متشبثین خصوصی ونمایندگان سرمایه ملی افغانستان نیز صورت گرفته است. در جریان ملاقات مسایل پیرامون تحکیم و توسعهٔ بعدی روابط دو جانبه تجارتی واقتصادی از جمله از طریق تشکیل تاسیسات مشترک شرکت های مختلط با جلب سرمایه خصوصی واستفاده ازاعتبارات شوروی، افزایش واردات شوروی به افغانستان وواردات افغانی به اتحاد شوروی، رشد وتوسعهٔ تجارت سرحدی وغیره بررسی شده اند. محمد حکیم رئیس اتاق های تجارت و صنایع افغانستان، کریمزاده رئیس اتاق های تجارت و صنایع کابل، صدیقی رئیس اتاق تجارت و صنایع هرات و همرفیق پاول پتروویچ موژایف سفیر اتحاد شوروی در جمهوری افغانستان اشتراک ورزیدند.

ملاقات و گفتگو ها خصلت دوستانه و علنی داشته و در فضای صمیمیت و تفاهم کامل انجام شده است.

راه به سوی مصالحه ملی در افغانستان باز است

(بقیه ص اول)

نزدیکترین وقت تامین شود. در اینجا باید دو جهت مسئله را مد نظر داشت یعنی ساحه خارجی و بین المللی و داخلی. هر دو بسیار مهم و دارای ارتباط متقابل میباشد اما از لحاظ سیاسی به پایان رسانیدن پروسه ژنیو ازهمه مهم تر است. در مذاکرات افغانستان و پاکستان که از طریق نماینده خاص سر منشی سازمان ملل متحد انجام می شود عملا تمام مجموعه توافق های لازم هماهنگ شده است امکان آن وجود دارد تا دردور نوبتی در ماه فبروری این مذاکرات به پایان برسد. اگر چنین صورت بگیرد تعهدقطع مداخله از خارج نافذخواهد شد. بر اساس اسناد تهیه شده اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا تضمین کننده گان این تعهد خواهند شد. تاکید میکنیم که جانب امریکایی موافق است تا تضمین کننده شود و به این ترتیب کمک های خود را به گروپ های مسلح که در افغانستان علیه حکومت مردمی عملیات محاربوی انجام میدهند قطع نماید.

درست با انفاذ این تعهد عودت قوای شوروی آغاز خواهد شد.

بر اساس این موافقتنامه این کار باید ٦٠ روز بعد از امضای موافقتنامه های حاصله در مذاکرات افغان و پاکستانی صورت گیرد. به عبارت دیگر به عقیده ما شرایط برای حل و فصل سیاسی جوانب خارجی مسئله افغانستان تامین خواهد شد.

وطنپرستان افغانی که با از خود گذشتگی مسلحانه از دستاوردهای انقلاب ثور دفاع میکردند. سربازان انترناسیونالیست شوروی در سخت ترین مراحل مبارزه در کنار آنان بودند، اما طرز تفکر جدید سیاسی مصرانه در جستجوی راه ها ووسایلی بود که حل و فصل نظامی این پروبلم را منتفی میکند.

به همین ترتیب طرحهای حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان و سیاست مصالحه ملی بوجود آمد.

ما با خاطر آسوده و درک وظیفهٔ انجام شده و قتیکه مداخله از خارج قطع شود از افغانستان میرویم. دراین رابطه ما با رهبری افغانستان تفاهم کامل داریم. درست با پیروی ازاین امر بود که رفیق نجیب الله پیرامون امکان خروج نیروهای شوروی از افغانستان را درظرف ١٢ ماه اعلام نمودند. در صورتیکه اوضاع برای این امر مساعد باشد خروج نیروها میتوانند زودتر از اوقات یاد شده انجام شود. مثلا: از ولایاتی که آتش بس در آنجا خصلت پایدار یابد نیرو های شوروی پیش از برنامه خارج خواهند شد.

سوال:

شما به جهات داخلی مسئله افغانستان نیز اشاره کردید، قطع مداخله از خارج میتواند موجب قطع عملیات محاربوی در داخل کشور به صورت اتوماتیک نباشد؟ آیا اینطور نیست؟

پاسخ:

هر انقلاب، هر تحول اساسی اجتماعی به منافع محافل معیینی بستگی دارد که آنها این تحولات را نمیپذیرد. ودربرابر آن دربعضی اوقات از طریق مبارزهٔ مسلحانه نیز مقاومت میکنند.

چنین نیرو ها البته در افغانستان نیز وجوددارند. سیاست مصالحه ملی همانا چنین هدفی دارد تا زمینهٔ که در آن تمام نیرو های وطن پرست خلق افغانستان بتوانند بر اساس مسالمت آمیز و غیر مقابله‌ای همکاری نمایند، پیدا شود.

محتوای سیاست مصالحه ملی در آن نهفته است که نیرو های متقابل میتوانند نه از طریق مبارزه مسلحانه بلکه از طریق اشتراک در دیالوگ سیاسی سرتاسری افغانی اشتراک ودر اتخاذ فیصله ها و اداره کشور آینده ملک خویش را سازمان دهند.

جامعه افغانی منقسم شد لیکن در حال حاضر تمام اقشار، گروه ها، فرکسیون ها، اقوام و قبایل، روحانیون به آن دعوت میشوند تا با وسایل سیاسی شیوه های عنعنوی برای افغانستان اساس مشترک منافع خود را در افغانستان مستقل دارای حاکمیت، بیطرف وغیر منسلک آینده دریابند.

آیا وطنپرستان واقعی افغانی میتوانند به این امر نایل شوند؟ آنها نمی توانند که ادامه تفرقه وخونریزی را که آینده ملت را برهم میزند ببینند آنهائی که منافع واقعی ملت را نادیده میگیرند وبه ملحوظات ایدیولوژیکی اولویت قایل میشوند و توجه بی نهایت را به آن معطوف میدارند خود را به خطر می اندازند تابالای عالیترین قانون اخلاقی قرار گیرد.

به نظر ما دیالوگ سازنده سیاسی که در آن هیچ کس مدعی بر خورداری انحصاری ازقدرت نباشد شرط حتمی حل وفصل سیاسی داخلی میباشد. طوریکه ما پروگرام مصالحه ملی را درک می کنیم در مرحله کنونی عبارت از تشکیل حکومت ائتلافی روی وسیعترین بنیاد است. در عین حال باید در نظر داشت که تشکیل حکومت ائتلافی به حیث تنها یک گام اول درراه رسیدن به توافق سرتاسری افغانی پیرامون راه آینده انکشاف افغانستان تصور میشود.

کنار رفتن از دیالوگ وسیع سیاسی ازتعیین سرنوشت کشوروخلق خویش براساس این دیالوگ بهمعنی قراردادن ادعا ها منافع آنی، خارجی و شخصی بالا تر از منافع ملت میباشد. بهعقیدهما نیرو هائی که از دعوت ملت ووطن طفره میروند پشتیبانی آن اقشار مردم را که به آن تکیه میکنند از دست میدهند.

راه به سوی مصالحه ملی در افغانستان باز است و مصالحه ملی میتواند صرف بهدست خود افغانها حاصل شود.

سوال:

آیا میشود گفت که با در نظر داشت مرحله کنونی انکشاف اوضاع در افغانستان خصلت روابط شوروی وافغان تغییر میبابد ویا تغییر خواهد یافت؟

پاسخ:

اتحاد شوروی وافغانستان پیوند های دیرینه دوستی و حسن همجواری را دارند. ما مناسبات خوب در دوران رژیم پادشاهی، دوران داود وبعد از انقلاب ثور داشتیم. مااطمینان داریم کهاین گونه مناسبات در دوران آن حکومت که درنتیجه مصالحه ملی در افغانستان تشکیل خواهدشد حفظ شود

از این بیشتر ما اطمینان داریم که تجربه به دست آمده وپروگرام همکاری ایکه همراه با رهبری افغانستان تهیهشده است اجازه میدهد رسیدن مناسبات شوروی و افغان به سطح جدید و بالاتر از گذشته، پیشبینی شود.

اتحاد شوروی در زمان سابق هم مساعدت بهانکشاف اقتصادی کشور همسایه دوست را چون وظیفه خود میدانست. واکنون مناسبات اقتصادی ما طبق نیازمندیهای زمان معاصر بازسازی میگردد. موسسات تجارت خارجی و اقتصادی اتحاد شوروی با متشبثین افغانی وبا دهقانان بهطورفعال همکاری مینمایند. واحد های مشترک اقتصادی تاسیس واقدامات به خاطر ایجاد مناسبات منطقوی و تولیدی صورت می گیرد که نتایج بزرگی از استهلاک صنعتی و فروشی میتواندحاصل شود. جمهوری ها، ایالات و شهر های اتحاد شوروی با استفاده از امکانات خویش در چهار چوب مناسبات مستقیم باولایات افغانستان، موسسات صنایع وپروژه های ترانسپورتی مخابراتی و پروژه های فرهنگی افغانی را ایجاد نموده و در عرصه تربیت کادرهای ملی افغانی هر چه فعالانه‌تر کمک و مساعدت خواهند کرد.

اکادمی علوم اتحاد شوروی واکادمی های علوم جمهوریت های اتحاد شوروی، پوهنتونها وانستیتوتها، اتحادیه های هنرمندان وسازمان های اجتماعی جوانان وزنان وورزشکاران وغیره در این فعالیت اشتراک خواهند ورزید.

برای ما هدف عمده تمام برنامه مذکور، نه فقط اعاده اقتصاد خراب شدهدر سالهای جنگ وعادی ساختن کار اقتصاد ملی بلکهرسیدن آن به یک سطح مدرن و به شگوفانی واقعی فرهنگ ملی افغانی است. اساس تمام چیز های متذکره همین اکنون آماده میگردد.

سوال:

اخیراً رهبران شوروی ملاقات وصحبت های فراوانی با نماینده گان کشورهای مختلف جهان داشتند. در افغانستان نتایج ملاقاترهبران شوروی و امریکا در واشنگتن و امضاء قرار دادامحایراکت های میان منزل و دارای منزل کوتاه هتر مورد استقبال قرار گرفت. تمام چیز های متذکره امید های نو رابه آینده بهتر برای کشور مادر دل ما ایجاد نموده است. آیا این نوعامیدها بمورداست؟

پاسخ:

بدون شك و تردیدبمورد است. سالم سازی عمومی اوضاع بین المللی تاثیری بر امور افغانستان هم خواهد داشت ولی در اینجا ارتباط دیگر هم مشاهده میگردد سیاست مصالحه ملی و تحقق عملی آن از طرف هیئت رهبری افغانستان برپاست رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و رئیس جمهور افغانستان انعکاس گرایشهای جهانی نوبود و به نو به خودتاثیر مثبت برفضای بین المللی دارد. به عقیده من تمام نیرو های شرکت کننده در مساله افغانی باید بفهمندکه آنها با جستجوی ارتباطاتی که به توافق مصالحه ملی می انجامد نه فقط برای مردم خویش بلکه برای تمام جهان شناسی میدهند. یك جانب دیگر اهمیت بین المللی سیاست مصالحه ملی وجود دارد. کهبعد از آزمایش آن در افغانستان این سیاست بتدریج به مدل اساسی برای حل و فصل منازعات منطقوی دیگر مبدل میگردد. این سیاست مورد علاقه و توجه زیادی قرار گرفته وبعد از دمساز نمودن آن با شرایط محلی میتوانند به نفع کشور ومردم دیگر هم استعمال گردد.

در این رابطه تجربه دوستان افغانی ما که سیاست مصالحه ملی را تطبیق می نماید خصلت انترناسیونالیستی نیز بخودمیگیرد.

باختر

خبرهای رسمی

پروفیسر فیلکس ارماکورا گزارشگر خاص کمیسیون حقوق بشر که در رأس هیأتی مصروف تهیه گزارش در باره چگونگی وضع حقوق بشر در جمهوری افغانستان میباشد، به سلسله ملاقاتهایش با مقامات و ارگانهای ذیصلاح کشور ما، صبح دیروز با رفیق عبدالوکیل عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و وزیر امورخارجه در مقر آنوزارت ملاقات نمود.

در این ملاقات وزیرامور خارجه جمهوری افغانستان پیرامون رویداد های مهم وانکشافاتیکه از سفر اولی پروفیسر ارماکورا در ماه جولای سال ١٩٨٧ تا اکنون در کشور در رابطه به تحقق مشی مصالحه ملی بوقوع پیوسته صحبت نمود.

متعاقبا در ملاقاتیکه با داکتر حسن شرق معاون صدراعظم و رئیس کمیته دولتی امور عودت کننده گان به عمل آمد، حسن شرق در باره فعالیت ها و نحوه کار آن کمیته معلومات داد.

قرار یکخبر دیگرپروفیسر ارماکورا عصر دیروز با اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی ملاقات کرد که طی آن در باره موادقانون اساسی جدید جمهوری افغانستان در رابطه به تضمین و رعایت حقوق بشر و مکلفیت های دولت درقبال میثاقهای بین المللی که جمهوری افغانستان به آن الحاق نموده، صحبت و تبادل نظرصورت گرفت.

همچنان بعد از ظهر دیروز پروفیسر ارماکورابا رئیس عمومی مبارزه با جرایم جنایی وزارت امور داخله ملاقات و پیرامون موضوعات مورد علاقه تعاطی نظر به عمل آمد.

*

رفیق عبدالوکیل عضوبیروی سیاسی ح.د.خ.ا، و وزیر امور خارجه جمهوری افغانستان قبل از ظهر دیروز با هیات پارلمانی بریتانیا تحت ریاست رانبرون عضو حزب کارگر درپارلمان بریتانیا و رئیس انجمن دوستی بریتانیا ـ افغانستان ملاقات نمود.

طی این ملاقات وزیر امور خارجه جمهوری افغانستان پیرامون میکانیزم اهداف و دستاوردهای مشی مصالحه ملی صحبت نمود. وهمچنان در باره مسایل منطقوی و بین المللی تبادل نظر نمودند.

متقابلا رانبرون اظهار امیدواری نمود که علیالرغم مخالفت حکومت محافظه کار بریتانیا در قبال انقلاب افغانستان بخش حزب کارگر بریتانیا مساعی‌اش را با تدویر محافل وکنفرانس مطبوعاتی و در بارلمان آنکشور در باره حقایق اوضاع و انقلاب در افغانستان واهداف مشی مصالحه ملی صحبت خواهند نمود.

طرفین همچنان در مورد انکشاف مزید همکاریهای بین انجمن های دوستی دو کشور ابرازنظر نمودند.

باختر

انتخاب نماینده گان

اهالی قریه توتچی مرکز ولایت بامیان دیروز با اشتراک در یك حوزه انتخاباتی نماینده گان مورد اعتماد خودرا در جرگه های محلی قدرت واداره دولتی برگزیدند.

دراولین جلسه آن شورا رئیس و معاون آنباوحدت نظر انتخاب گردید.

سرکوبی گروپ افراطی

گروپ افراطی مسلح که در مربوطات ولسوالی علینگار ولایت لغمان مصروف دهشت افگنی و رهزنی بود اخیراً سرکوب گردید.

نیرو های بیدار امنیتی در اثر تقاضای کمیسیونمصالحه ملی آن ولسوالی داخل منطقه گردیده واز گروپ افراطی تقاضا به عمل آورد تا سلاح شان را به زمین بگذارند اما گروپ افراطی جواب رد دادهو به روی آنها آتش گشودند. نیرو های امنیتی به خاطر جلو گیری از جنایات افراطیون به جواب متقابل پرداخت که در نتیجه گروپ مذکور به شمول غلام نبی سر دسته آنها سرکوب گردید و نه میل سلاح مختلف النوع با مقدار زیاد مهمات بدست نیرو های امنیتی افتاد.

باختر

پایان کارسمپوزیم

سمپوزیم کابلدر گذرگاه تاریخ که سه روز قبل از طرف انجمن نویسنده گان افغانستان در بخشهای فرهنگ و هنر، سیاسی، اجتماعی و تاریخی وجغرافیه شهر کابل در میلمه پالهوتل دایر گردیده بود، دیروز پایان یافت.

دراین سمپوزیم اضافه از دوصد تن ازدانشمندان محققان رجال و شخصیتهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور اشتراکورزیده بودند.

طی سه روز جلسات علمی و تحقیقی سمپوزیم کابل در گذرگاه تاریخ ٤٥ تن از نویسنده گان، دانشمندان و پژوهشگران همه ملیتهای مختلف افغانستان بدون هرگونه گرایش و سوتفاهم دربخش های مختلف مقالات ونوشته های شانرا در رابطهبهشهر کابل و پس منظر تاریخی و فرهنگی شهر کابل قرائت نمودند.

در سومین جلسات بخش فرهنگ و هنر اینسمپوزیم که به ریاست لطیف ناظمی دایر گردید چند تن از شخصیتهای فرهنگیوهنری کشور مقالات و نوشته های پر محتوای شانرا که همه مربوط به زنده گی مردم و شهر کابل بود، قرائت نمودند که مورد دلچسپی حاضرینقرارگرفت.

همچنان در جلسات بخش جغرافیه، اجتماعی، سیاسی و تاریخی این سمپوزیم که تحت ریاست کاندیداکاد میسین نومیالی دایر گردید، نوشته ها ومقالات سودمندی از طرف برخی از دانشمندان راجعبه گذشته و حالمردم و شهر کابلارائه شد.

در کار جلسه عمومی سمپوزیم کابل در گذرگاه تاریخ تا حوالی ساعت یك و نیم ظهر دوام نمود، رئیس انجمن نویسنده گان طی بیانیه از سهم و همکاری موسسات ذیربط در برگزاری این سمپوزیم اظهار سپاس و قدر دانی کرد.

سپس رفیق آدینهسنگین کابل شاروال به نماینده‌گی از شهریان کابل وعده داد تاحدتوان در رفع نواقص، کمبودیها، نارسایی ها و سایر مشکلات محیطی و اجتماعی شهر کابل بیشاز پیش سعی و تلاش نماید.

در پایان کارسمپوزیم داکتر خلیل احمد ابوی طرح قطعنامه این سمپوزیم را قرائت کرد که مورد تائید و تصویب شرکت کننده‌گان قرار گرفت.

در قطعنامه آمده است که: اشتراك کننده گان سمپوزیم بانظر داشتاهمیت سیاسی، فرهنگی، هنری واجتماعی کابل در گذرگاه تاریخ و با رضایت کامل از برگزاری موفقانه این سمپوزیم خواستار گردیدهاند که در زمینه نام، بنیاد، فرهنگ کابل، سمبول شهر کابل، به راه انداختن کانکورها در مورد شهر کابل حفظ و حراستارزش های معماری و تاریخی و باستان شناسیشهرکابل، آبادی تنظیف، سرسبزی و پارکها و باغهای عمومی شهر کابل جلوگیری از آلوده گی محیط زیستکابل تبلیغات همه جانبه ازطریق رسانه های گروهیدرمورد شهرکابل و غیره مسایلکارو اقدامات وسیعصورت گیرد.

همچنان در جریانجلسه سمپوزیم نظریات، پیشنهادات، انتقادات در زمینه های مختلف شهر و مردم کابل از طرف عدة از دانشمندان مطرح گردید. در جریان تدویر این سمپوزیم (سیزده دو) اثر نقاشی کار استاد محمداسحق نوری عضو اتحادیه هنرمندان که نمایانگر گوشه های مختلف و مناظر طبیعی شهر کابل بود، به معرض نمایش قرار گرفت.

باختر

گسترش و ارتقای سطح تولید به کار خلاقه وخستگی ناپذیر کارگران رسالتمند ارتباط ناگسستنی دارد.

با چنین ملحوظ کارگران ما شب و روز عرق میریزند تا هم میهنان شان در رفاه و آسایش بسر برند.

در عکس سه تن ازکارگران شعبه خراطی شرکت‌کانسوکو

عکاسی بابه‌خان

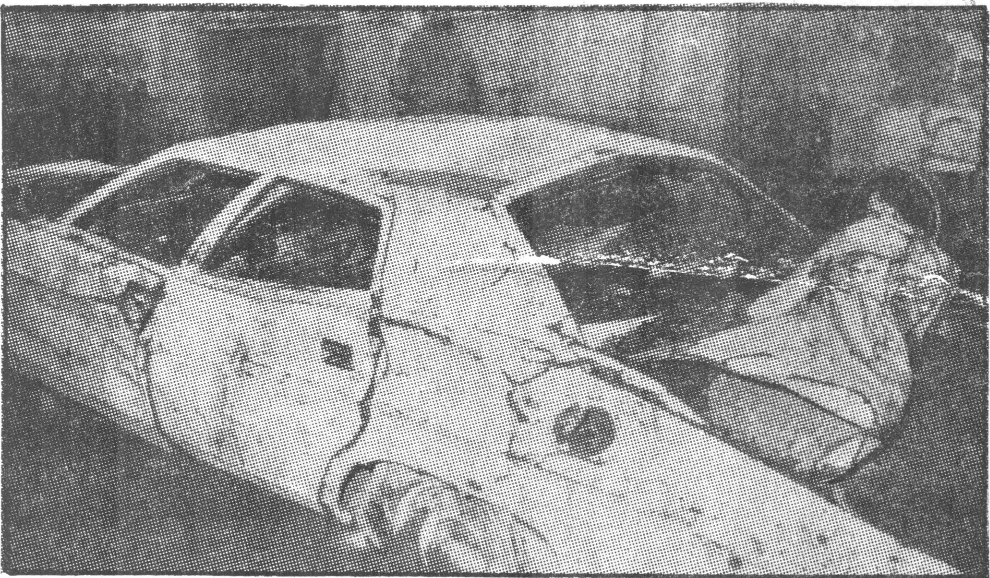


شهر کهنه کابل سخن میگوید

(بقیه ص اول)

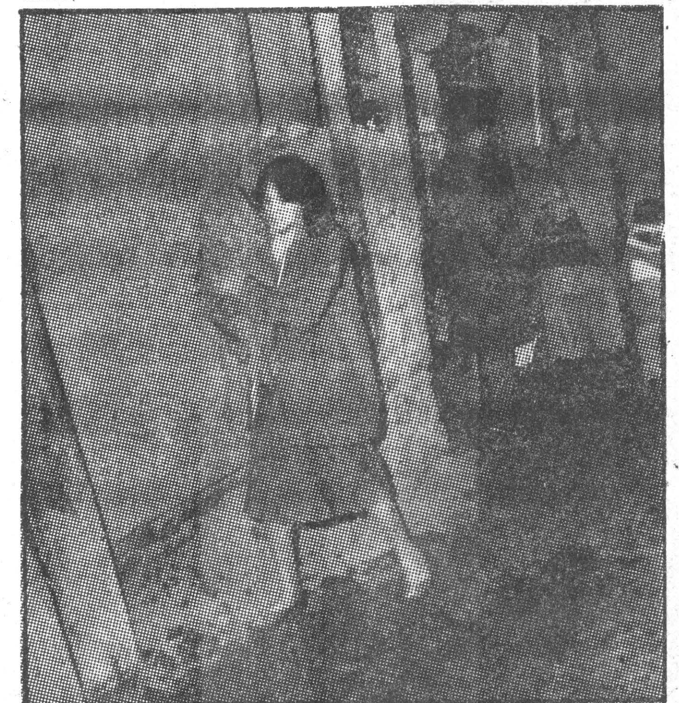
می کشند وآنگاه کودکان خرد سالی که در میان این آلوده‌گی می گردند، همدیگر رادنبال میکنند، به زمین می افتند وگل آلود از زمین بر میخیزند، کوچه ها پوشیده از گل ولای وانباشته ازجمعیتی است که در میان هم می لولند اززنی که کودکی چند ماهه را دربغل دارد ودر حال حرکت است می‌پرسم: خواهر! حاضر هستی که برایما از مسایل ومشکلات زنده‌گی در این‌محله بگویی، نگاهی ناباورانه به قلم‌وکاغذم‌می‌اندازد و میگوید: شما ازدل گرمتان گپ‌میزنید. مشکلم اینست که با این‌طفلك سالم بخانه برسم ودر میان این گل وچتلی نیفتم، شما راچه. به مشکل ما؟ و زنی دیگری که چادری کهنه یی برسردارد میگوید: آغا جان اگر واقعاً میخواهید بنویسید ودرد های ما رسیده‌گی کنید من می توانم هر قدرکه دلتان بخواهد برایتان از مشکلات این محله وزنده‌گی خود ما ن بگویم و مردمیان سالی از آن میانه میگوید: «آنچه که‌عیان است چه حاجت به بیان است» فقط یك ساعت آمده‌اند محله ما تا گزارش تهیه کنند، ببینید تا کجا درگل ولای مانده‌اند. وزنی ادامه میدهد: برادر بنویس، نامم راً بعه است، شوهرم سرباز است ٦ اولاد دارم کلانشان ١٤ساله است صنف ٩ مکتب، خانه ماشبیه قوطی گوگرد است با هربادتکان میخورد وهر باران که می بارد من فکر میکنم، هم اکنون این خانه خراب می شود. باران نعمت است. اما بعضی مواقع که‌زیادمیشود من از این نعمت خدامی ترسم وتاصبح همین طور بیدار خواب می مانم. تابستان بقدری بوی، تعفن، مگس و پشه در این محله زیاد است که نمیتوان نفس کشید و خواب کرد وزمستان گل ولای وگلاب برویتان خاك انداز، بدرفت نگاه کنید. ببینید بچه های ما کجا بزرگ میشوند. هربارکه باران می آید، برف می آید تازانو غرق درگل میشویم. باور کنید ٦ اولاد دارم وزمستان بااین‌کمبودآب کمبود زغال‌من مجبورم‌هرروز لباسهای چتل شده آنها را بشورم روزی نیست که یکی دوتایشان در میان این چتلی ها نیفتند. من‌نمی توانم تمام مشکلات خودمان‌را بگویم، هر روز مریضی، گرانی دوا و داکتر، اصلا بردن طفل مریض از این جاتا شفاخانه یکدنیا مشکل است. اگرزنی بخواهد در این روز هاطفل بدنیا بیاورد خدا میداند چه قدر برایش مشکل خواهدبود. امازنده گیمان دیگرجزمشکلات نیست روزی ۸۰روپیه(افغانی) درآمدداریم که‌تنها کفایت‌یکروز نان وچای رامیکند، غریبی‌است غریبی!

می پرسم: اینجا وضع برق‌چطوراست؟میگوید: برق اینجاکاری‌ندارد، یکان وقت می آید ومی رود. ومردی که درکناری ایستاده خنده ای میکند و میگوید: یك‌روزبرق را دیدم. سلام کردم و گفتم کجاهستی بیادر که در کت نیست بیاکه‌روی ماهت را ببینم! برق خنده‌ای کرد و گفت: توکجاهستی؟ چرا این همه خراب میکنی؟ من هروقت که برای دیدن شما می آیم همگی خواب هستید! گفتم چرا سرشب‌نمی‌آیی؟ گفت: سرشب وتمام روز در وزیر اکبرخان، شهرنو ومکروریان مصروفم، مراجه‌به‌شهر کهنه؟ آنجاخوب، اگر موراحت‌است‌مراجه به این خانه های کهنه‌به این سرك های چتل. جملگی می خندند. میپرسم


کثافات کوچه‌ها حتی تادهانه‌موتر تخریب شده نیز سرایت نموده است.

نامت‌چیست؟ نظرمحمد کارگر. میگوید؟ بنویسیدکه «اینجا نه برق است و نه سرك آبرو است، نه جغل‌اندازی میشود، نه‌پیسه است و نه ... ونه... نه ...» بطرف کودکی میرود و دست اورا میگیرد، جلو تر می آورد و میگوید: «حال‌که ادعا میکنید همه چیز را میخواهید بنویسید نام این طفل عبدالصبوراست. چاربرادر اند، قد ونیم قد. پدرشان شهیدشده، مادرشان کارگر نساجی‌بگرامی است. این اطفال از صبح در این کوچه های پر از گل در گرما و سرما تاشام میگردند و حتی نان چاشت هم نمی خورند». طفل معصومانه در چهره ام خیره شده است. رویش پوشیده از زخم است. میگویم: «عبدالصبور جان چرا درخانه




به مشکل میشود از کوچه هاو پس کوچه های شهر کهنه عبور نمود.

نمی مانی تامادرت‌پس آید؟» جوابی نمیدهد وکسی ازمیان میگوید: «کدام خانه؟ اتاق تاریکی است سرد و کم نور، طفل جگر خون میشود. اینجا کمتر کسی خانه از خود دارد بیشتر خانه ها کرایی است، در هر خانه ٥-٤ فامیل زنده‌گی میکنند. هر اطاق ۵۰۰تا...۱ افغانی کرایه داده میشود. اینجا اکثر خانه ها سرد و تاریك است. تیل خاك نمیرسد ذغال گران است خریده نمی توانیم وچوب گرانتر. اینجا شهر فراموش شده است.

هیچکس‌از مسوولان گذرش به این قسمت قدیمی کابل نمی افتد واینجا زباله ها یی است که عمر شان از عمرمن زیادتراست، صدبار خاك‌شده و باز جمع‌گردیده‌است (با دست به انتهای کوچه که میدان‌گاهی‌است‌اشاره میکند) «این جا قبلا چند خانه بود. همگی خراب شدند و این تپه ها پوشیده از کثافات بجای آنها سر برآوردند واکنون سالها ست که اینجا محل ریختن زباله های مردم شده البته محل بازی بیشتر اطفال نیزهست، اینجا یخچالك عصری اطفال است»). مردی دیگر میگوید: برادر بنویس چند کلمه هم از من بنویس: «نامم مجید روفی است مدیر متقاعدوزارت مخابرات، حال بحیث دکاندار

اینجا کار میکنم. بعد ازسی سال کار اینجا با چند سر عائله دو اتاق دارم که ازاقوام است، از خودم خانه ندارم اینجا محل بودوباش‌مردم‌غریب است که در تمام روز در این دکان بیشتر از ۳۰۰ تا ۴۰۰ افغانی خرید وفروش نمی شود. اینجا سابقهٔ بسیار تاریخی دارد اما حال بر این روز افتاده من نمی گویم که اینجا را اعمار کنند، امالااقل یك آب رو بکشند. لااقل شب به مردم برق بدهند تعدادنل های آب رازیاد تر بکنند. نمی گویم هر روزی نمی گویم هر

هفته لااقل سالی یکبار این کثافات را از این محل بروبند آخرزنده‌گی همینطور میباشد؟ پس این مسوولان شاروالی چه میکنند؟»

مردی دستم را کش کرده میگوید: «برادر خواهش‌میکنم یك نگاهی به خانه من‌بیاندازتاخوب بفهمی‌که ماچهی‌گوییم وچه می کشیم». وهمرا ازدالان بلند وتاریکی عبور میدهد و وارد حویلی باندازه کفدستی می کند چند چهره کودکانه پشت گلکین های تنها اتاق خانه با چشم های پر تعجب بما می نگرند. می گوید: «این خانه سه اتاق دارد یکی شکست کرده وقابل استفاده نیست مادریك اطاقش همراه کل فامیل زندگی میکنیم و اتاق دیگر نیز پسر کاکایم می نشیند با اشاره به چاه میگوید: «اینرا بخاطر اینکه در حویلی آب جمع‌نشود بدست خود کنده ام، چاره چیست میدانم که باعث میشود آن دو اتاق دیگر نیز پایه ها یش شکست بردارد. اما اگر این کار را نمی کردم آب تازانو بالا می آمد.» اضافه‌میکند: در بانك رهنی و تعمیرا تی ماموراست نامش بسم‌الله است با ۲۷۰۰ افغانی معاش و٤ سر عایله. ازخانه بیرون می آیم جمعیت احاطه ام میکنند. کسی سخن میگوید، یکی دستم راکش می‌کند که خانه‌اش را نشان دهد ودیگری از جنگ وخراب شدن خانه اش در قریه قصه میکند. مردی به سماواری که در چند قدمی قرار دارد اشاره کرده میگوید: «برادر! به این سماوار برو وببین که مردم‌چه قصه میکنند. اینجا از هر قسم مردم هستند اصلا شهر کهنه مرکز تمام ولایات شده است هر کس کلاز ولایتی؛ از قریه ای کوچ میکند به‌اینجا می آید اتاقی کرایه میکند و غریب کاری راشروع‌مینمایدم» ومردی که خودرا معلم معرفی میکند میگوید: «اینجا مسئله مسئله اقتصادی است، مسئله فقر است، مسئله‌بیکاری‌است. جنگ است ومسئله فرهنگ. نمیشود بایك جغل اندازی تمام این مشکلات راحل‌نمود» مردديگری میگوید: برادر گپ هایت‌را خوب می فهمم اما زمستان است و سرما. برف است‌و باران بگوبنویسند: برای ما برق بدهید، سرك ها را جغل اندازی‌کنید. آبرو بکشید. ما مشکلات را درك میکنیم. اما این‌راهم خوب می بینیم که چطور هر جا که مقامات‌خانه‌دار‌نو‌پیسه‌دارها خانه دارند یك روزه خیلی‌کار ها برایشان انجام میشود ولی از ریختن چند لاری جغل وبردن کثافات از این محل عاجز ند. برادر! ما معنی شعار ها را در عمل درك میکنیم. این راحتماً بنویسید که ما معنای سیاست را زیاد نمی دانیم فقط می فهمیم که، تودهٔ مردم هستیم و عمل میخواهیم.»

ناصر

اخبار خارجی، واقعیت‌ها، حوادث

ملاقات در پاکستان

مایکل ارماکوست معاون وزارت خارجه امریکا برای امور سیاسی که مصروف دیدار از پاکستان میباشد، بریروز از جمله هفت رهبر گروه های مخالف انقلاب افغانستان مستقر در قلمرو پاکستان، با پنج تن آنها ملاقات کرد.

ارماکوست همچنان با عبدالستار معاون اول‌وزارت خارجه پاکستان ملاقات کرده است، آنها در جریان ملاقات روی مسایل مربوط به کمك امریکا به پاکستان برنامه نظامی پاکستان، وضع در منطقه خلیج‌صحبت کرده و توجه شانرا در مذاکرات ژنیو و وضع اطراف افغانستان معطوف داشته اند.

ارماکوست باضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان نیز ملاقات کرده است.

طبق يك خبر دیگر دور دوم مذاکرات بین مایکل ارماکوست معاون وزارت خارجه امریکا برای امور سیاسی و عبدالستار معاون اول وزارت خارجه پاکستان دیروز دراسلام‌آباد انجام پذیرفت.

طرفین در جریان ملاقات روی مسایل مربوط به منافع دو جانبه، روابط بین امریکا- پاکستان، وضع در خلیج و منطقه و کمك امریکا به پاکستان صحبت کردند. آنها موافقه کردند که به مذاکرات شان در آینده نیز ادامه دهند.

مایکل ارماکوست‌چندساعت اخیر دیروز با محمد خان جونیجو صدراعظم پاکستان نیز ملاقات کرد و باوی‌دربار ه مسایل منافع دوجانبه تبادل نظر نمود.

افشای اعمال خصمانه و ننگین

تباهکاری، کشتار، غارت و قاچاق موادمخدره و تصادمات مسلحانه ذات البینی در مبارزه به خاطر به اصطلاح ساحه‌نفوذ دیر یست که به مشخصه فعالیتهای‌گروه های‌ضدانقلاب افغانستان مبدل‌شده است.

گروه هائیکه در غرب به مثابه مبارزان آزادیخواه شناخته میشوند. این‌مطلب را روزنامه گاردین چاپ لندن بریروز نگاشته به اصطلاح اعمال قهرمانانه یکی از ین گروه ها یعنی حزب اسلامی را مثال‌می‌آورد. سه ماه قبل بود که این مبارزان آزادیخواه، «اندی سکریزیپ کو» یك ژورنالیست تلویزیون انگلستان را که از روی احساسات، اما طور غیر قانونی به قلمرو جمهوری افغانستان داخل گردید، غارت‌نموده‌او رابه‌قتل‌رسانیدند.

عقیده بر آنست که توجه این باندیت هارا سامان آلات فلمبرداری‌تلویزیونی به خود جلب کرده بود.

به قول همین روز نامه کرس خانم ژورنالیست یاد شده امروز اصرار دارد که مجلس عوام پارلمان انگلستان و کنگره ایالات متحده امریکا این سوال را مطرح سازند که چرامليونها دالر در راه تمویل سازمانی به مصرف میرسد که از ربا ینده گان وقاتلان تشکیل شده است.

روز نامه مینویسد: اما همین گروه است که از مساعد تهای مقامات پاکستان و کشورهای‌غربی از همه بیشتر برخوردار میباشد.

چنانچه گروه مذکور از کمك امریکا که توسط‌کنگره آنکشور تخصیص داده شده و بالغ به (ششصد) مليون دالر میشود، سهم بیشتری به دست آورده است، همچنان همین حزب‌اسلامی او لین گروه از گروه های هفتگانه ضد دولت افغانستان است که راکتهای ضد طیاره نوع ستنگر را در یافت داشته است. از طرف دیگر همکاری این حزب با پولیس پاکستان نیز چنان نزدیك است که اجازه دارد تا مردم را در سرزمین آنکشور بازداشت نماید. روز نامه خاطرنشان میسازد: حزب اسلامی خود سلولهای زندان و زندانبان دارد و به اجرای محاکمه می پردازد وحشی انسانهارااعدام میکند.

فراخواندن کشتی های جنگی از خلیج

رونالدریگن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا تصمیم گرفته تا تعدادی ازکشتی های جنگی آنکشور را از منطقه خلیج فرا خوانده.

شبکه‌تلویزیونی‌سی.بی.اس امریکا ازقول منابع اداره ریگن گزارش میدهدکه‌اولین کشتی امریکائی که منطقه خلیج را ترك گوید، کشتی هیلیکوپتر بردار موسوم به‌اوکینوا خواهد بود.

مامورین امریکائی به تلویزیون سی.بی.اس اظهار داشته‌اند: که تعدادی ازما-ین روبهای امریکائی درخلیج ضرورت‌استفاده ازهیلیکوپتر های مستقر در کشتی‌اوکیناوا را منتفی دانسته اند.

سی.بی.اس خاطرنشان میسازد که موجودیت‌گروپ بزرگ قوای بحری ایالات متحده امریکا و عملیات آن ماهانه به ارزش بیست مليون دالر يك بار سنگینی به دوش وزارت دفاع آن کشور میباشد.

تلویزیون سی. بی.اس‌به قول از مامورین اداره ریگن خاطر نشان نمیسازد که‌باآنهم کاهش تدریجی نیروی دریایی امریکا در منطقه‌خلیج در ماه های آینده نشانه‌کدام تغییری در سیاست‌امریکا در آن منطقه‌بوده نمیتواند.

باختر

تمدید دورهٔ خدمت سربازی

دوره خدمت سربازی در ایران از دو سال به ۲۸ ماه تمدید یافته است.

آژانس خبر رسانی شتیید پرس از قول رادیو تهران گزارش داد که این تصمیم از جانب شورای عالی‌دفاعی آنکشور اتخاذ گردیده‌است. يك نطاق شورای یادشده خاطر نشان ساخت: تمدید چهار ماه در خدمت دوره سربازی تا زمان پایان یافتن جنگ ایران- عراق نافذ خواهد بود.

گشایش کنفرانس حقوق بشر

کنفرانس پیرامون حقوق بشر و همکاری بین‌المللی در ولایت زیلنده ها لنده، بر پرو ز گشایش یافت. درین کنفرانس شخصیت های برجسته اجتماعی، سیاسی، و مذهبی اعضای پارلمانها ودانشمندان ... سیزده کشوراشتراك‌دارانه. آنها در این کنفرانس که سه روز دوام مینماید، روی مسایل مربوط به مناسبات شرق و غرب در عرصه بشری، تقویت اعتماد و مسایل اجتماعی بحث خواهند نمود.

گشودن آتش بر مظاهره کنندگان

عساکر اسرائیل‌به‌اشتراك کننده گان دریك مظاهره وسیع فلسطینی ها در شهر خان یونس در بخش غزه تحت اشغال اسرائیل آتش گشودند.

مطبوعات فلسطین‌گزارش میدهد که در نتیجه این آتشباری دو نفر کشته و دست کم دوازده نفر مجروح گردیده اند. پنج عسکر اسرائیل در جریان برخورد با مظاهره کننده گان زخم برداشته اند.

عساکر اسرائیل تاهنوز اکثریت مناطق پرنفوس را در ساحل غربی روداردن و نوار غزه در محاصره داشته و در جاده های آن منطقه واحد های تازه دم عساکر اسرائیل و نیروی امنیتی گزمه مینمایند.

محاصره و تلاش در بلاکهای مسکونی ادامه دارد، تجاوزگران اسرائیل چندین نفر رازندانی‌کرده‌اند.

از تاریخ نهم دسامبرسال گذشته زمانیکه کارزار وسیع و بی سابقه فلسطینی ها علیه تجاوز گران اسرائیل در قلمرو های اشغالی آغاز گردیده، اشغالگران‌بیست و پنج نفر را کشته اند.

بنگله دیش-اوجگیری جنبش دموکراتیک

رژیم بنگله دیش و حزب «جنتا» به تعقیب اعلام‌وضع اضطراری و انحلال پارلمان، اقدامات وسیعی را به منظور متلاشی ساختن جنبش دموکراتیک آن کشور اتخاذ وعملی مینماید. این جنبش که روز تا روز ابعاد وسیعتر بر خور دارمیگردد. درمبارزات خویش بخاطر مطالبات دموکراتیک‌شان. عمدتاً روی تقاضا استعفی رئیس جمهور و تدویر انتخابات دموکراتیك وآزاد در آن کشور تاکیدمی ورزد. رژیم حاکم بنگله‌دیش به خاطر متفرق ساختن این جنبش که در آن اتحاد های هشت حزب، هفت حزب، پنج حزب و جماعت اسلامی بشمول نیروهای مترقی و دموکراتیك بنگله دیش نقش محوری را ایفا مینمایند، قبل وبعد از تاریخ دهم نوامبرکه طی آن میبایست شهر داکه اشغال و استعفای‌رئیس جمهور تقاضا گردد. تدابیر جدی سرکوبگرانه‌وخشونتبار را اتخاذ و به‌منصه عمل بگذارد.

رژیم و حزب حاکم بنگله- دیش از آغاز ماه نوامبر سالجاری الی اواخر آن بیش از (چار هزارو هشتصد وسی و دو) نفر را که در اعتراضات علیه رژیم سهم داشتند و در ترکیب آنها علاوه بر رهبران و فعالین احزاب سیاسی، اعضای پارلمان منحل شده بنگله‌دیش نیز شامل بودند، توقیف نموده است. افزون‌بر این در نتیجه بر خورد های که‌میان واحد های مسلح دولتی ومردم صورت گرفته است، الی بیست‌و چار نوامبر ۱۹۸۷ بیش از دو هزارو یکصد و چهل نفر زخمی و به ده هانفر کشته شدند. دستگاه حاکمه بنگله دیش به منظور جلوگیری از توسعه وگسترش این جنبش، ابتدا فعالیت‌حزب کمونیست و سه حزب دیگر مترقی آن کشور را تحریم‌و سپس این شیوه را در مورد سایر نیروهای سیاسی دموکراتیك‌و میانه رو اپوزیسیون دولت بکار بست. بدین ارتباط و به خاطرافزایش اختناق، دفاتر مرکزی احزاب کمونیست، عوامی لیگ، و بنگله دیش کرشیاك سرامیك عوامی لیگ مورد هجوم واحد های مسلح رژیم قرار گرفت و طعمه حریق گردید. علاوتا حزب حاکم جنتا به خاطر بدنام‌سازی، جنبش و فراهم آوری زمینه جهت وارد کردن ضربه‌بالای آن، تدابیر وسیعی را درزمینه براه انداختن انفجارات وبه آتش کشیدن مراکز دولتی عملی نمود. این اقدامات، بیشتر از پیش باعث خشم و انزجار مردم گردید و منتج به آن شد که ابعاد مبارزات مردم واحزاب سیاسی بنگله دیش گسترش بیشتر یابد. این مسئله اعتراضی مردم علیه رژیم را افزایش داد واین سیر صعودی باعث اوج گیری بحران دراقتصاد آن کشور، یعنی وارد آمدن خساره بیشتر از یکنیم میلیارد تاکه (واحد پول بنگله دیش) از تاریخ دهم الی بیست‌و چار نوامبر گردید. این ضربه که‌مستقیما زنده گی مردم زحمتکش را تحت اثر قرار داد، اگراز یکجا نب انزجار مردم و احزاب سیاسی را بیشتر از پیش برافروخت، ازجانب دیگر باعث‌توسعه بحران در دستگاه رژیم بنگله دیش نیز گردید. رژیم حاکم به خاطر فرونشاندن جنبش دموکراتیك و جلوگیری ازانزجار واعتراضات فزاینده مردم‌علاوه برسایر اقدامات پیشگیرانه، گام دیگری در جهت برچیدن حداقل‌امکانات دموکراتیك برداشت و ابتدا در پنج شهر بزرگ آن کشور بشمول داکه وبعدا در سرتاسرآن کشورتعزیرات معین را برگشت و گزارمردم وضع‌نمود.

اقدامات خشونت بارفوق که از يك جهت تنقیض حقوق دموکراتیك مردم واز جهت دیگر افزایش قدرت نیروهای مسلح ونظامی رانشان میدهد، نه تنها جلو رشد و گسترش جنبش دموکراتیك راگرفته نتوانسته است، بلکه بیشتر از پیش باعث اوجگیری اعتراضات وتوسیع مردم به خاطر اعاده دموکراسی گردیده و این امر ناگذیر پیروزی مردم راهبنی بر اعاده حقوق دموکراتیك وتحقق سایر تقاضا های شان، در تقابل رژیم حاکم، بیشتر از پیش حتمیت می بخشد.

(د. ژواله)

گرگ سپید

راویان آثار و ناقلان اخبار آورده اند که در روزگار کهن روستایی بود آبادان، مامون از آفت زمان و غارت دوران، چون عروس آراسته و چون سرو پیراسته، اطرافش جنگلی از درختان شاداب رسته و از در و دیوار شسبزه زمردین جسته.

القصه روزگاری گرگ سپید خون آشام در حومه جنگل پدید آمد از صبح تا شام به صورت علی الدوام به حیوانات چرنده حمله آوردی برخی را دریدی و جمعی را شهرگ گلو بریدی، ساکنان روستا که از گزنده وحشی بستوه آمده بودند با صحاب رای روی آوردند و چاره مشکل جستند. گره گشایان و مدبران برآن شدند فردا که آفتاب عالمتاب بر اریکه طلوع پا نهد تمام جوانان و جنگ آوران با شمشیر و کمان راه جنگل گیرند و آن ستمگر خون ریز را بدست آرند تا با شد سلامت روستا اعاده گردد. فردا که بحر زر افشان در لاجورد آسمان پدید آمد فریاد جوانان و شیهه اسپان در پهنای جنگل پیچید ن گرفت و درنده سپید بنای تلاش و دویدن، راه نجات بسته بود و فرصت از دست رفته، ناچار راه روستا در پیش گرفت و به خیال اینکه در مرغانچه و یا اسطبلی پناهنده شود تا فرصت نجات آماده گردد ولی دید درها بسته و شیشه فرصت شکسته و اندرانجا گربه ای بر سبیل عادت رو با آفتاب نشسته است. گرگ سپید چون جنایتکاران نور شکسته لب به تملق و تضرع کشود و گفت: ای نوه شیران و وارث پلنگان تو که محرم روستا پیا لی وانیس دوستانی. صاحبدلی بمن نما که بوی پناهنده شوم وراه نجات تیکه آنرا جوینده. این همه غوغا به قصد جان منست و مرگ ناخوانده مهمان من، مرگ درد آور است و بدین افتضاح درد آور تر، گربه از لابه جنایتکار پیر سر نرمی گرفت و راه گرمی و گفت: در پایان روستا بخانه عزیز نجار شود تا رستگاری یابد و دل قراری. گرگ سپید چون بید بر خود لرزیده و فریاد کشید: هیهات که دیروز مرکب باری اورا دریده ام و راه نجات بر خود بریده. گربه از دگران نام برد ولی بلای سپید یکی را گوساله کشته، آن دگری را گوسپند دریده وآن دگران را هم بی گزند نمانده، بدین منوال از هر کسی نام گرفتی جنایتکار سپید عذر آوردی و اظهار خجالت کردی. لاچار گربه راه مشورت را کوتاه گرفت و به بلای سپید گفت: اکنون که همه را سر بریده، دریده و یا شکسته ای راهی جز تسلیم به سرنوشت نداری.

دریدن جز دریده شدن و خون گرفتن جز خون دادن کیفری ندارد و جنایت بر جماعت هرگز بخشوده نشود.

سلیمان لایق

گوش شیطان کر!

ازلطایف الطوایف

شخصی پیش قاضی آمد و برکسی دعوی کرد، قاضی ازو گواه طلبید، مدعی هزالی را بگواهی آورد، قاضی از و پرسید که هیچ مساله میدانی؟ گفت آنقدر که شرح نتوان کرد، پرسید که قرآن میدانی؟ گفت بده قرائت. پرسید که هرگز مرده شویی کرده یی؟ گفت آن خود هنر آبا و اجداد منست، پرسید که چون مرده رابشویی و کفن کنی ودر تابوت نهی چه میگویی؟ گفت گویم خوشحن ترا که بمردی وجان بسلامت بردی تا ترا پیش قاضی نبایدشد و گواهی نباید داد.

◪

دزدی جامه کسی بدزدید وبه بازار برد و بدست دلال داد که بفروشد. جامه را از دلال دزدیدند ودزد دست تهی نزیاران آمد، گفتند جامه را بچند فروختی؟ گفت به آنچه که خریده بودم.

◪ ◪

دزدی بخانه یی رفت هیچ نیافت، ناگاه در گوشه خانه قدری آهک دید پنداشت که آرد ست، دستار خود را درمیان خانه پهن ساخت و رفت که دامنی آرد بیاورد و در دستار ریزد، در آن محل صاحب خانه حاضر بوددستارش بدزدید، و دزد آنجا دید که آهکست نه آرد، برگشت که دستار فراهم آورد دید که دستار رابرده اند، قصد نهاد که از خانه بدر آید صاحب خانه فریاد برکشید که دزد بگیرید، دزد روی واپس کرد وگفت تو خود انصاف ده که دزد کیست؟

◪ ◪ ◪

دیوانه یی را دربصره دیدند که خرما را با دانه میخورد، گفتند چرا چنین میکنی؟ گفت خرما فروش همچنین بر من وزن کرد.

عشق است ومفلسی و...

رجب

باز رجبخان ز چه وارت خطا ست
از چه بدست توسه عکس «لتاست»
یکسو زنی داد ز بی پیسگی
یکسو چو غولان بکنی هرزه گی
نیم شکم از مفلسی استی همیش
میخری فوتوی «لتا» و «مو گیش»
آب کنی بهر چه پیچادلت
چیست ازین عکس خری حاصلت؟

عجب

عکس دل آویز و صفا منظره
دلببرد ای رجبی شاتره!
زنده گی بی عشق ندارد نمک
عشق سز دداشت چو من کم کمک
من نه زعشقم چو خودت دل زده
تا شب آدینه روم دهکده
صوفی شوم صبح فی گک ناعلاج
مسلک خودرا بنمایم رواج.

رجب

استی رجبخان تو (پچل هفته هم).
نیست خودت رابخودت هیچ رحم
کی بتو گفتم که تو بی ذوق شو
یا که تو بد بین فلان شوق شو
گفتمت اما که در این مزد کم
چون خری یك عکس بچندین درم؟
از کتاب: گلن خنده

آدرس ندارد!

رئیس موسسه: امر صیب اطلاعات میرسه که خانم تان هم چند ین بار اس که بخاطرای کارهای خانه از موتر موسسه استفاده میکنه.

امر: رئیس صیب، مه برای تان گفته لم که ای مردم همرایم دشمنی دارن غلط اطلاع میتن. او خانمی ره که ده موتر دیدن بخدا قسم که خانم نبود، خشویم بود.

رسول خان: آمر صیب! خانی مه دافشار س، سر از صبح پیاده می آیم و خوده ساعت هشت به حاضری می رسانم.

آمر: او بچه پیاده چطور میایی؟ از افشار تا ایجه بسیار راهس.

رسول خان: آمرصیب خی دلت اس که ده سرویس بیایم که ساعت دوازده هم به وظیفه رسیده نتانم.

منتقد

سعدالدین یگانه نویسنده شهر ما بود. او همواره داستانهای کوتاه برای کودکان و نوجوانان مینوشت همیشه میگفت که داستانهایش را بزرگسالان نیز میخوانند.

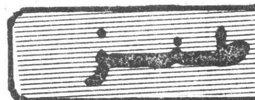
مردم شهر ما او را دوست داشتند و در اکثر محافلی که برپا می افتید، او را در جمله اعضای هیات رئیسه انتخاب میکردند.

اگر منتقدین ادبی نمی بودند، او تا اکنون به نوشتن داستانهای کوتاه خود ادامه میداد.

منتقدین در شهر ما سه تن بودند: قاسم، عبداللطیف و نواب جان، ماجراجوترین شان نواب جان بود. او بود که دریکی از مقاله های خود برای اولین بار چنین نوشت:

«از سعدالدین خان باید جداً پرسیده شود که چرا داستانهای دراز ورمان نمی نویسد؟»

چهار روز بعد بیچاره



سعدالدین خان دریک مصاحبه کوتاه رادیویی خود گفت که مصروف جمع آوری مواد برای نوشتن رمان نمیباشد.

دو ماه سپری شد و طبق معمول داستانهای کوتاه



سعدالدین خان درجراید وروزنامه ها به نشر میرسید ولی از رمان او خبری نبود. منتقدین شهر که دید ند اثری از رمان سعدالدین خان در مطبوعات شهر به چشم نمی خورد، دست به قلم بردند و مقالاتی نوشتند.

قاسم در مجله جوانان، عبداللطیف در جریده هنرو نواب جان در یکی ازروزنامه ها، سعدالدین خان بیچاره را بباد انتقاد قرار دادند، لطیف در مقاله سعدالدین خان باز هم داستان کوتاهی می نویسد».

نواب جان در مقاله بالای گپ خود ایستاد بود!» و قاسم در مقاله «چقدر رنج آور است باز هم داستان کوتاه برای کودکان!»، سعدالدین بیچاره را به اصطلاح پخته پرانك نمودند.

وبه همین ترتیب یکسال سپری شد. سعدالدین خان دیگر تاب انتقادات منتقدین را نیاورد و شروع کرد به نوشتن مقاله انتقادی زیر عنوان «جواب دندان شکن» مقاله را دریکی از جراید برای نشر سپرد.

بعد از آن در شهر ما دیگر داستان نویس وجود نداشت سعدالدین خان نیز منتقد شده بود.

انتخاب از: «عریضه مرزاصدف»

وضع ماکولات

تاکه ماکول ما افزون شده است
مزه از نانما برون شده است
گر شوی مهمان بد فترما
شوی آگه ز حال ابتر ما
در پلو سنگ و موی می بینم
هردورا دانه دانه میچینم
تا شود نان به میل اشکم ما
وای از این دیگ نان بی دم ما
چه بگویم زدال بی روغن
که بودبی نول ناع وذغن
گر شود سنگ زیر دندانت
میکند از پلو پشیمانت
شالی و دانه شماق در او ست
تاربوجی و چوب قاق در اوست
گوشت چرمین و لوبیا بدبوی
شوله بدخور و آشپز بد خوی
بس شکایت ازین وآن کردیم
میل بهبود وضع نان کردیم
لیك معلوم شد که هیئت ما
مید هد شکوه را به باد هوا
وای ازین هیئت خریداری
که بما میکند جفا کاری
هیئت از حق ما زراندوزد
کیسه بزد است وکیسه می دزدد
پول ماکول ما حرا مش باد
وآنچه خورده است زهر کا مش باد

حشمت تایب

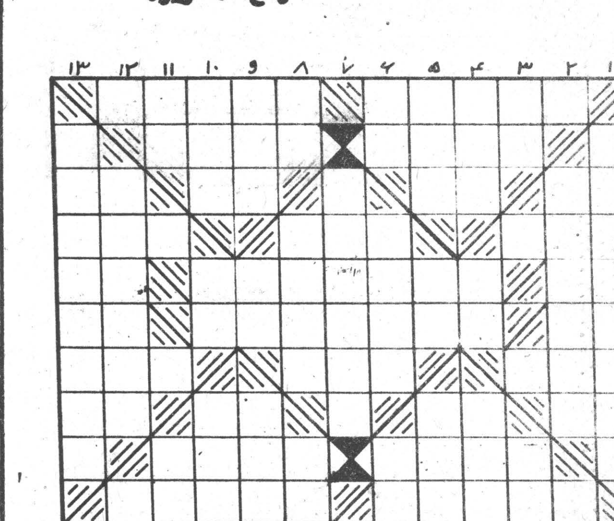
جدول کلمات متقاطع

افقی:

۱-ختم و پایان- ازامراض علاج ناپذیر
۲-جاوید وابدی -غلاف شمشیر
۳-سلطان بدن - چهره-کافی - وسیله ترانسپورتی
٤-یکی از وسایل شکار -مترادف ناموس - پایان کار در شطرنج
٥-پروفیسور حیوانات-یکی از پیغمبران -از آهو بهتر است
٦-تفس - یکی از صدراعظم های بنام پروس- سند خرید
۷-ماهی آن خطرناك است-ولی پریشان -را - موتررو
۸-عددی است -اشاره به دور-از کلمات درد-کلمه ندا
۹-غلام- پرنده خوش الحان
۱۰-زنگ - بسربردن

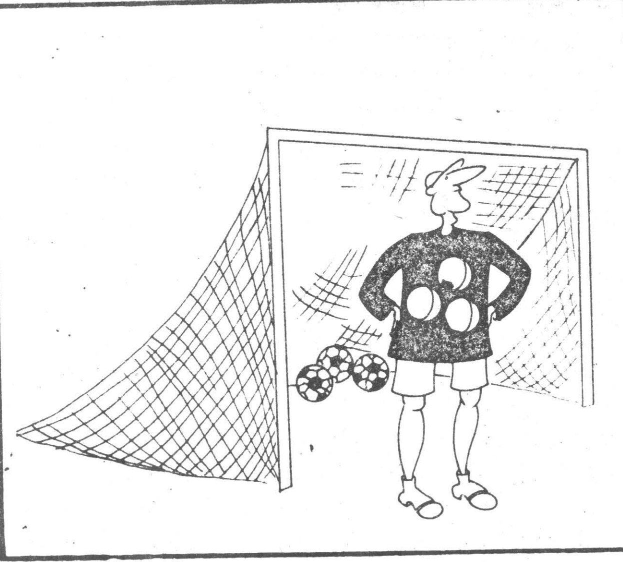
عمودی:

۱- یك نوع حکومت
۲-همه روزه
۳-تار - بیخ
٤-می زنند و خبر میکنند-مایه حیات -قصر - جوی خون
٥-یکی از میوه ها - ا زاعداد -صدا
٦-یکی از حالات بحر-آفتابی - همه
۷-از یاد رفته
۸-انداز عمر - کارکن وخستگی ناپذیر -همراه
۹-ریا و تزویر - خیر بی سر -رنج وغم
۱۰-بی مو است ودر حمام هم مورد استفاده دارد -صد هزار - اطلاع و آگاهی.
۱۱-مادر -حرف نفی
۱۲-اینهم نوعی ترانسپورت است.
۱۳-دارا یی ها و بدست آورده گی ها
طرح از فریور





عکاس: آقای داماد ترا بصفا لبخند بزن و لو برای یك لحظه!



در حاشیه جام جهانی



بدون شرح

بخوانید وبدانید!



عجب جنجالی را گیر مانده ام، اگر بگویم فلم را معرفی نمی کنم علاقمندان برنامه های سینمایی تلویزیون ما را آرام نمی گذارند واگر هم فلم را معرفی کنیم تلویزیون از ما آزرده میگردد، والله ما در بین دو سنگ آرد هستیم چه کنیم ناگزیر این بار تصمیم گرفتیم که دو تربوز را دریك دست بگیریم، یعنی که هم رضایت علاقمندان برنامه های سینمایی تلویزیون را فراهم سازیم و نیز تلویزیون را ازخود آزرده نسازیم.

در برنامه امشب تلویزیون علاوه از اخبار و مصاحبه ها، پروگرام دانش برای مردم، ورزشی، آهنگهای خارجی، درسیاه ما و فلم هنری هندی نیز گنجانیده شده است.

شاید نزد خود خنده کنید و بگویید که ما خواین برنامه ها را میدانیم، ولی چیزی را که نمی دانیم فلم هنری هفته است، گپ بین خود ما باشد و مقامات رسمی تلویزیون خبر نشوند زیرا که نام فلم را طور «خصوصی» فهمیده ایم و آن فلم هنری هندی بنام وقت است.



از رادیو میپرسیم، همین که میگوییم برنامه ات را معرفی کن، زبان به شکوه می گشاید و ما نیز قبول میکنیم که اکثراً مسوولین معرفی برنامه های رادیویی در شعبه ما برنامه ها را پائین وبالا می نویسند و رادیو را از ما می رنجانند، به هرصورت اگر گپ را کلان نکرده باشیم برنامه ها یکی است فقط روز نامه های روز های پنجشنبه گذشته را پیدا کنید و بدانید که رادیو برای شما چه انتخاب نموده است.



از سینما ها از مانپرسید، بخاطر یکه در این اواخر افغان فلم هم با ما درست همکاری نمی کند و فقط ما برای علاقمندان سینما ها میگوییم که اگر میخواهید آسوده و آرام در سینما های شهر فلم را تماشا کنید با مدیران سینما ها آشنایی برقرار کنید درآن صورت بدون تشویش میتوانید در بهترین جای از سینما و لو هر قدر ناوقت هم بیایید بخاطر آرام و با استفاده از چوکی فرعی فلم را تماشا کنید.

خوب به هر صورت به خاطر اینکه ما در اول گفته ایم که ما اینبار دو تربوز را دریك دست می گیریم بهمین منظور میگوییم که در چند سینمای شهر این فلمها به نمایش گذاشته شده است:

در سینما بهارستان فلم هنری هندی بنام زخمی
درسینما بریکوت فلم هنری هندی بنام هیرو.
درسینما پارك فلم هنری هندی بنام دس نمبری.
باز هم خدا کند آنانیکه علاقمند این فلم ها هستند می خواهند این فلم ها را تماشا کنند وقتی به سینما میروند همین فلم ها را ببینند در غیر آن ما مسوولیت نداریم زیرا اکثراً فلم های سینما ها را نیز برای ما تیرو بیر میگویند.



مسابقه عکاسی ح.ا.ث
در کارخودمی اندیشد یا ...؟
عکاسی شریف لطیفی

تحت نظر هیات تحریر
مدیر مسوول: م.ح بارق شفیعی
تیلفونها
مدیرمسوول: ٦٢٤٧٤ سکرتر مسوول: ٦٣٦١٤ شعبه اطلاعات: ٦١١١٨
معاون اول: ٦١٤٥٨ شعبه نامه ها: ٦١٧٠٣ سوچبورد: ٦١٨٧٨
شکایت وتوزیع: ٦٢٨٥٩
صندوق پستی: ۷۸۰ چاپ ویب آفسیت مطبعه دولتی
حساب بانکی: ۱۰۱۸ بر ۹ قیمت یك شماره ۲۰ افغانی